



الگوی اسلامی ایرانی شهر مطلوب در اندیشه‌ی ملاصدرا

روح الله عشریه^۱، حسن ستاری ساربانقلی^۲، محمدرضا پاکدل فرد^۳، عزیز جوانپور هروی^۴

۳۰

دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۳۰
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۳۹۹/۰۴/۰۷
تاریخ پذیرش:
۱۳۹۹/۰۷/۱۵
صص: ۱۴۲-۱۱۷

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی مبحث کوفی در
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23295599.1403.12.2.8.8

چکیده

امروزه در تئوری شهرسازی، شهرهای مطلوبی از طرف نظریه پردازان غربی ارائه گشته که تاثیر زیادی در شکل گیری شهرهای جهان داشته اند. این اندیشه ها به این دلیل که با الگوی ایرانی اسلامی همخوانی ندارند، سبب ایجاد نوعی سردرگمی میان شهروندان و طراحان گشته است. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی اسلامی ایرانی شهر مطلوب در اندیشه‌ی ملاصدرا، بعنوان گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام شده است. این پژوهش با رویکردی کیفی، با استفاده از راهبرد مفهوم سازی داده بنیاد به بررسی الگوی اسلامی ایرانی شهر مطلوب در اندیشه‌ی ملاصدرا در قالب کتب تالیفی او پرداخته است و بدلیل اینکه اندیشه‌ی حکمت متعالیه، اوج تفکر فکری-فلسفی ایرانی اسلامی محسوب میشود، آن را بعنوان جانشینی برای نمونه های مطروحه‌ی غربی معرفی مینماید. روش تحقیق به صورت کیفی و مبتنی بر استراتژی تحلیلی-توصیفی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای استوار بوده است. توجه به اجتماع در عین توجه به فرد، اجتماعی بالطبع بودن انسان، فیلسوف بودن حاکمان، توجه به نفس، قوانین توحیدی، توجه به عقل، تعاون و همکاری اجتماع و حرکت جمعی در جهت رسیدن به کمال در میان شهروندان از موارد خاص موردتوجه این فیلسوف شهیر در باب شهر مطلوب بوده است. تأکید عمده شهر مطلوب در تفکر این اندیشمند، ناظر بر سیر ارتقای توجه به زندگانی مادی و معنوی شهروندان و توجه کافی به امور روحانی و معنوی در فضاهای شهری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شهر مطلوب، حکمت متعالیه، ملاصدرا، سعادت اجتماع و فرد.

۱. دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، پردیس بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

sattari@iaut.ac.ir

۳. استادیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۱. مقدمه و طرح مسئله

رسیدن به اهداف کمال‌گرایانه جز در بستر جمعی، حاصل نمی‌گردد زیرا انسان ذاتاً موجودیست اجتماعی و کاملترین این اجتماع، اجتماع شهری محسوب می‌شود. اولین نامی که به تفصیل و دقت به مسئله‌ی الگوی شهر مطلوب پرداخته بی‌شک افلاطون است. وی در کتاب جمهوری خود به شرح ابعاد، اجتماع، اندازه و سایر مؤلفه‌های شهر مطلوب خود پرداخت. تأثیر او، به حدی بود که پس از وی هر کس تلاش نمود تا اندیشه‌ای درخور در این باب ارائه دهد. افرادی همچون: توماس مور در کتاب اوتوپیا، فرانسیس بیکن در آتلانتیس، کامپلانا در شهر آفتاب، ولتر در شهر زرین و دیگران به تبعیت از افلاطون پرداختند. در میان فیلسوفان مسلمان، فارابی اولین شخصی بود که در باب شهر مطلوب، کوشید. وی فردی شیعه‌مذهب بود. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱) شهر مطلوب در نظام فکری فارابی، اجتماعی است که افراد آن، سعادت را می‌شناسند و در اموری که آن‌ها را به این غایت برساند، تعاون دارند (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۷۶: ۲۱). تعاون، یاری‌رسانی، تقسیم‌کار و توزیع مسئولی‌های اجتماعی بین اعضای جامعه، به‌منظور رفع نیازهای فردی و جمعی دیگر مؤلفه‌های شهر مطلوب اوست؛ لذا اندیشه‌های او نسبت به افکار افلاطون، حالت آرمانی کمتری داشت و به واقعیت نزدیک‌تر بود. پس از او، شهاب‌الدین سهروردی نیز که از منظر تفکر، به مشرب افلاطونی ارادت تام داشت به پیروی از او، اندیشه‌های آرمانی در مقاله ناکجاآباد بیان نمود (سهروردی، ۱۳۹۰: ۱۰) و کمی از شهر و جامعه‌ی مطلوب قابل تحقق فاصله گرفت و به مطلوبی آرمانی پرداخت. از نظر خواجه‌نصیرالدین اما مدینه فاضله اجتماع افرادی است که اهدافشان فراهم کردن خیرات و استفاده از آن‌ها و از بین بردن شرور است. از آنجاکه خیرات از خیر مطلق سرچشمه می‌گیرد (خواجه‌نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۴: ۸۱) و تمام امور باید در جامعه شهری تحقق یابد با همکاری و تعاون تمام افراد شهر؛ اما پس از او، صحبت در مورد جامعه، شهر و اجتماعی مطلوب تقریباً در اندیشه‌ی فیلسوفان اسلامی-ایرانی به کناری رفت و این امر مطرود شد تا اینکه نوبت به صدرالمطالین رسید. نگرش او تا دوره‌ی قاجار بسیار مورد توجه قرار گرفت و بزرگانی چون ملاعلی زنوزی و ملاحادی سبزواری از مروجان اندیشه‌ی او بودند.

متأسفانه در واسط دوره‌ی قاجار و خصوصاً در دهه‌های اخیر، ظهور روشنفکرانی که پیشرفت را در پیروی بی‌چون و چرا از اندیشه‌ها و نگرش غربی می‌دیدند سبب گشت تا اصالت فکری چند هزار ساله‌ی ایرانی اسلامی مورد بی‌مهری قرارگیرد و اندیشه‌هایی که آبخور آنها از وحی و خرد

بصورت دو بال جدا نشدنی بود به گوشه ای کنار گذاشته شوند و نگرشهایی حاکم شوند که نه با روح فرهنگ این دیار سازگاری و همخوانی دارد نه قابلیت اجرایی لازم برای آنها دیده میشود. این اندیشه های وارداتی به دلیل عدم تطابق با زیربنای فکری، غیر بومی بودن و عدم شناسایی مشکلات و نیاز جامعه، نه تنها باری از دوش بر نداشته اند که مردم و هویت آنان را دچار بحران سردرگمی کرده اند و بجای پیشرفت، عقب گرد و سد راهی در برابر اهداف و آرمانها شدند. زیرا از لحاظ ساختاری، این اندیشه های تحمیلی با نوع نگاه بومی ایرانی تفاوت آشکار دارد. نگاه ایرانی اسلامی همواره به تعالی و پیشرفت مادی و معنوی مردم بوده و هست، حال آنکه در نگاه اندیشمندان نامی معاصر غرب، جنبه ی معنوی و بُعد زندگی پس از مرگ، انکار یا حداقل بدون موضع رها گشته و توجهی به آن نشده است. حال آنکه اندیشه های ایران، حتی پیش از اسلام نیز بر جاودان بودن زندگی پس از مرگ، تاکید موکد دارد؛ لذا اندیشه های غربی به لحاظ بنیادین، جوابگوی نیاز فرهنگ این دیار نیست.

پس از انقلاب، برخی از اندیشمندان همچون عماد افروغ، این اندیشه ها را به نقد کشیدند و خواستار ورود اندیشه های حکمت متعالیه به ورطه ی نظریه پردازی شدند و راه پیشرفت و کمال را در ارائه ی نظریات در قالب فلسفه ی حکمت متعالیه دیدند (افروغ، ۱۳۹۵: ۳۳۸). اما به دلیل حجمه های عظیم نظام های سرمایه داری غربی، کوشش این عزیزان توفیق چندانی نیافت زیرا مباحث را صرفا به صورت نظری میدیدند و به این مهم توجه نمودند که اندیشه های فلسفی باید در بستری از هنر یا اجتماع، ظهور و بروز یابند تا کاربری آن مورد سنجش قرار گیرد. از آنجایی که بهترین بستر برای پیاده سازی مفاهیم فکری- فلسفی، شهرها میباشند زیرا که مستقیما تمام افراد جامعه را در بر میگیرد و کاربران را مستقیم تحت تاثیر قرار میدهد. زیرا ظرفیت های تفکر اسلامی نیازمند فضا و مکانی برای نمایش استعدادها و به فعلیت رساندن آنهاست و تا چنین زمینه ای ایجاد نشود، مکتبی علمی و عملی جهت نمایش الگوی ایرانی و اسلامی پیشرفت محقق نمیشود. ملاصدرا با روش خاص و بدیع حکمت خود که تا قبل از او به ذهن احدی راه نیافته بود توانست فلسفه اسلامی را از بن بست در آورد و نگراشی پویا و نوین ایجاد نماید. او عقل، حدیث، عرفان و قرآن را در آمیخت و خلاء ارتباط دین و اندیشه را پر نمود. در شهرسازی امروزی ایران، نبود نظریه ای این چنینی که هم به بعد مادی و هم معنوی انسان توجه نماید بسیار مشهود است و هدف پژوهش نیز ارائه ی الگویی مناسب برای شهروندان این مرز و بوم میباشد تا تمام ابعاد انسانی آنها را پاسخگو باشد.

با توجه به موارد یاد شده میتوان امیدوار بود که از حکمت صدرایی راهی برای تعالی زمینه‌ی شهری متناسب با هویت ایرانی اسلامی ارائه کرد تا بستری متناسب با خواستگاه مردم فراهم شود و در آن بتوانند به پیشرفتی مبتنی بر ارزشهای ایرانی اسلامی در بستر شهرها دست یابند تا سعادت، پیشرفت و کمال شهروندان محقق شود.

۲. اهداف و سوالات پژوهش

هدف پژوهش حاضر، مطالعه مفاهیم و اندیشه‌های پیرامون الگوی اسلامی ایرانی شهر مطلوب در نظریات ملاصدرا می‌باشد که در میان فیلسوفان مسلمان، بیشتر به ارائه اندیشه در باب شهر مطلوب پرداخته‌اند تا درنهایت، ویژگی‌های شهر و جامعه‌ی مطلوب اسلامی ایرانی از منظر مؤسس حکمت متعالیه مورد بررسی قرار گیرد. تا سبب پیشرفت در شهرسازی این مرز و بوم و ارائه نگرشی متناسب با بستر فکری و فرهنگی مردم گردد. نیل به این مهم بر اساس اندیشه‌های فکری فلسفی عمیق ایرانی و با تکیه بر مفاهیم و معارف اسلامی، ارزشهای ملی و راهکارهای بومی، در پی ارائه الگویی مناسب برای توسعه شهرسازی ایران میباشد.

به‌طور کلی سؤال‌های اصلی پژوهش این است که: (۱) الگوی اسلامی ایرانی، اصول، راهکارها، مفاهیم و اندیشه‌های شهرسازی در اندیشه‌ی ملاصدرا چیست؟ (۲) این اصول، چه تأثیری از لحاظ مادی و معنوی بر شهر و شهروندان مطلوب خود می‌تواند داشته باشد و یا داشته است؟

۳. پیشینه‌ی تحقیق

محمدمدی کیا (۱۳۹۸) در تحقیق خود با عنوان «شهر مطلوب «غزالی»: آرمان شهری بر مدار اصلاح» به ارائه آراء غزالی در باب شهر مطلوب پرداخته و معتقد است که نظر غزالی در برپایی چنین شهری بر سه گانه‌ی «دین، سیاست و اخلاق» استوار است. وی وظایف رهبر جامعه را ابتدا به دو بخش علمی و عملی تقسیم میکند. او خاتمه خاطر نشان می‌سازد که غزالی در شهر مطلوب، وظایف ویژه‌ای برای مدیران، شهروندان و متولیان دین قائل است که همگی باید در رسیدن به سعادت کوشش کنند. سعادت که از دل معرفت بیرون می‌آید و معرفتی که حاصل پاک‌ی دل است. از یکسوی دل به مثابه محمل معرفت برای

آدمی، مرکز توجه معرفت شناختی غزالی است و از دیگر سوی کوشش جهت حصول فهم باطنی از دین از سوی متولیان آن ره به خوانشی باطنی از دین در اندیشه غزالی می برد.

محمودی، احمدی، محمدی، رحمانی و برنافر (۱۳۹۷) در مقاله ای پژوهشی با عنوان «چیستی آرمانشهر شیعی در آرای ملاصدرا و آیت الله جوادی آملی» با استفاده از روش مقایسه ی تطبیقی با اتکا بر مطالعات اسنادی به چیستی آرمانشهر از دیدگاه این دو اندیشمند پرداخته و نظرات آنان را با هم مقایسه نموده اند و به این نتیجه رسیده اند که آرمانشهر شیعی بیشتر به تهذیب فرد، جامعه و روابط آنها میپردازد. این آرمانشهر ابعاد تاریخی و جغرافیایی مشخصی ندارد و بسته به شرایط، افراد و اجتماع، قابل حصول است. در ادامه می افزایند که ملاصدرا، تحقق این آرمانشهر را در رهبر و اجتماع مناسب میدانند اما آیت الله جوادی، فرد را برمی گزینند و تهذیب فردی را اولی قرار میدهد.

اسفندیاری، مهدوی آرا، نادرین لایین و یوسفی چوبینی (۱۳۹۵) در مقاله ای پژوهشی به نام «آرمان شهر اسلامی از منظر امام رضا (ع)» به روش توصیفی، تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای به این پرسش ها پاسخ دادند که: آرمانشهر رضوی چگونه معنا پیدا میکند؟ و ویژگیهای این آرمانشهر چیست؟ و ابراز داشتند که آرمان شهر رضوی مکانی است که در آن ارزشهای مکتب اسلام تبلور یابد و فرامین رسول خدا(ص) و ائمه اطهار (ع) در آن به عینه خود را نشان دهد و در نهایت خواسته های آنان در تمامی ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ساکنین این شهر مقدس حاکم باشد؛ چرا که این شهر منسوب به امامی است که تمامی ویژگیهای انبیا و ائمه را دارد و او امام معصوم است. شهری که به نام او مزین است باید عاری از هرگونه زشتی و تجلی گاه همه خوبیها باشد. در نهایت اینکه آرمان شهر مدنظر امام رضا ویژگیهایی دارد، که از جمله بر محور عدالت و دین و بازگشت به دوران سیادت اصول اخلاقی و انسانی و برپایی حکومت عدل الهی در بهترین جامعه دینی و در بین برترین فرزندان بشر است. امام در عین حال که سعی در بیان و اجرای تمام اصول اخلاقی اسلامی دارند، بر نیازهای جامعه و اشخاص نیز بسیار توجه می کنند که همین اصول در کنار یکدیگر ریشه های اساسی آرمان شهر رضوی را پایه گذاری میکند.

بنی فاطمه و بوداقی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه شهر مطلوب با شهر جهانی» با استفاده از روش اسنادی، به اشتراکات و افتراقات این دو پدیده پرداخته و بیان داشتند که شهر مطلوب شهری است که نه تنها در سرمایه اقتصادی بلکه در سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی نیز قوی

است. این شهر دارای سبک روشنی از حکومت با به دولت متجدد که با همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی فعالیت میکند و دارای اعضا فعال و خلاق در توسعه دادن فناوریهای متری و فعالیتهای اقتصادی به منظور رسیدن به توسعه محلی و جهانی پایدار است. در شهر مطلوب، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، فرصت و تهدید بودن جهانی شدن، توسعه از پایین به بالا، مکانهای کم تراکم، سیاستهای منطقه و سایر عوامل مهم است.

جابر پروین (۱۳۹۱) در اثر خود با موضوع «مقایسه ی پیش فرضهای جامعه ی مطلوب در قرآن کریم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و علامه طباطبائی» به چستی جامعه مطلوب از منظر قرآن با استفاده از اندیشه های دو مفسر بزرگ قرآنی با روش توصیفی- تفسیری پرداخته و مفاهیمی همچون اصالت فرد، جامعه و تعلیم و تربیت را بصورت کیفی مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است که در آثار علامه طباطبائی چنان دیده میشود که هر فرد در جامعه ی مطلوب باید به کمالی که لایق آن است برسد و چیزی یا کسی مانع پیشرفت او نشود.

با توجه به موارد یاد شده میتوان دریافت که اگرچه نکاتی مهم و قابل توجه در تحقیقات مذکور بیان شده اما تاکنون در زمینه ی الگوی ایرانی اسلامی شهر مطلوب در اندیشه های ملاصدرا پژوهشی مناسب صورت پذیرفته است و از این منظر، پژوهش حاضر امری بدیع محسوب میگردد.

۴. تعریف مفاهیم

۴-۱. شهر

اصطلاح شهر از جمله واژه هایی است که بسیار مورد استفاده قرار میگیرد اما اتفاق نظری در مورد تعریف آن وجود ندارد و امروزه اکثر این تعاریف، کاربرد صحیحی ندارند و در شناساندن حقیقت شهر به ما کمکی نمیکنند. برای مثال طبق تعریف اداره ی سرشماری امریکا شهر مکانیست که دارای جمعیت ۲۵۰۰ نفر یا بیشتر است میباشد (عظیمی، قراگوزلو و قادری، ۱۳۹۲: ۲۲) که طبق این عبارت، اکثر اجتماعات بشری، شهر محسوب میشوند اما تفاوتی بین شهرهایی مانند تهران با جمعیت چند میلیونی و شهری با سه هزار نفر جمعیت نیست و ناقص بودن تعریف، آشکار است. شهرها دائما در حال تغییر و رشد هستند لذا باید تعریفی ارائه گردد تا با پویایی شهر همراه باشد. اهمیت تعریف شهر از آن روست که طبق برآورد بانک جهانی تا سال ۲۰۲۵، ۸۸ درصد از جمعیت کل جهان در مناطق شهری خواهند

بود (علیخواه، ۱۳۹۵: ۱۹). در ایران تعریفی که بیشتر مورد استناد قرار می‌گیرد چنین آمده: ((محلّی با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده است و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگیهای خاص خود است؛ به طوری‌که بیشتر ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیتهای اداری اشتغال دارند و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردار و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد)) (قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵). در تعریف مذکور، ابهامات زیادی نهفته که شاید همه ی آنها قابل چشم پوشی باشد اما اینکه در چنین تعریفی، هویت شهر به کناری نهاده شده و فقط با ذکر عبارت «سیمایی خاص» به ظاهر شهر توجه شده محل تأمل است. در پژوهش حاضر اما بدلیل فلسفی بودن بحث، تحت تاثیر از حرکت جوهری، پویایی شهر و حرکت به سمت استکمال، مورد توجه میباشد و اصل اساسی در تعریف را این واژه ها تأمین میکنند. زیرا رسیدن به شهر مورد نظر تحقیق، جز با این مولفه ها قابل پیگیری نمیشد.

۴-۲. الگو

این واژه در معانی متعددی به کار رفته است. در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت؛ الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می باشد (دهقان، ۱۳۸۶: ۶۵). مدل، طرح و نمونه‌ای است، که از آن الهام گرفته و پیروی می‌شود و یا نسخه‌ای از آن برداشته می‌شود (زنجانی زاده، ۱۳۷۹: ۴۴). توسل به الگو در همه علوم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه اکثر فلاسفه، اندیشمندان و محققان، که درباره زندگی اجتماعی انسان به بحث پرداخته‌اند، همواره به مشابّهت‌ها یا بعضی تصاویر، توسل جستند؛ تا بتوانند جامعه را نزد خود معرفی کنند. به دلیل اینکه واقعیت اجتماعی، امری غامض، چندگانه و فرآر است؛ به حدّی که ذهن انسان، توانایی درک کامل این واقعیت، در کلیت و پویایی آن را ندارد، پس برای آنکه بتوان از این واقعیت پیچیده، سخن گفت و آن را به اجزا و عناصر متشکله‌اش تجزیه کرد، قیاس صورت می‌گیرد؛ این قیاس، میان جامعه پیچیده با اشیاء و موجودات ساده و شناخته‌شده‌تر انجام می‌گیرد؛ که اصطلاحاً به آنها الگو اطلاق می‌شود (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۴۳).

گاهی الگو ناظر بر نظامی از پیش فرضها، دادهها و دریافتهای ذهنی از چیزی، امری یا وضعیت است که ریاضی گونه بیان میشود. در اینجا با الگوی انتزاعی از واقعیت که ماهیت ذهنی دارد، مواجه هستیم.

در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تعریف ارائه شده از الگو این چنین است: «الگو به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین گفته میشود که در ساختاری منطقی برای توضیح و تفسیر سیستمی از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روشها، فرایندها، تئوریه‌ها و نظریه‌ها ارائه میشود» (میرمعزی، ۱۳۹۳/۴/۶). در این پژوهش ایجاد الگویی نظام مند در شهرسازی که نشانگر آرمانهای اسلامی - شیعی باشد مد نظر میباشد.

۳-۴. شهر مطلوب و مولفه های آن

در دهه ی کنونی به دلیل تحولات اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان، شاهد پیدایش مفهوم جدیدی در شهرسازی به نام شهر مطلوب هستیم. این مفهوم جدید حتی به مقابله با شهرهای جهانی نیز رفته و آنها را تحت شعاع قرار داده است (بنی فاطمه بوداقتی، ۱۳۹۳: ۱). شهر مطلوب شهریست که با توجه به مدل توسعه ی پایدار محلی و با تاکید بر حکمرانی شهری، دارای سرمایه های اقتصادی، اجتماعی و محیطی قوی میباشد که هدفش توسعه ی درون زاست. یعنی آنچه در این شهرها دنبال میشود، پایداری اجتماعی، محیط زیستی و اقتصادی با تاکید بر هنجارها، عقاید و محیط زیست محل مربوط است و صرفا مدلی جهانی به منطقه تحمیل نمیشود.

به منظور رفع چالشهای نظری شهرهای جهانی، مفهوم دیگری به نام شهر مطلوب در ادبیات شهری برجسته شده است که در این مفهوم، بجای تاکید بر نقش شهرها در اقتصاد جهانی و توسعه ی برون زا، به تاثیرات محلی جهانی شدن و رویکرد توسعه ی پایدار محلی و توسعه ی درون زا تاکید شده است؛ زیرا توسعه ی محلی میتواند شبکه های اقتصاد محلی و همچنین انسجام اجتماعی را حفظ کند (بنی فاطمه بوداقتی، ۱۳۹۳: ۴). بطور کلی و با توجه به مطالب قید شده، شهر مطلوب شهریست که:

- ۱- تنها در سرمایه ی اقتصادی، بلکه در سرمایه ی انسانی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی نیز قوی باشد.
- ۲- دارای سبک روشنی از حکومت است با یک دولت متجدد که با همکاری بخش خصوصی و جامعه ی مدنی فعالیت میکنند.

۳- دارای اعضای فعال و خلاق در زمینه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میباشد (Kamng and Hills, 2003:152-153).

همانطور که در بالا نیز ذکر شد، یکی از مهمترین مولفه های شهر مطلوب، داشتن سبک روشن در حکمرانی میباشد؛ یعنی در این شهرها، راهبرد به این نحو است که سعی شود تا تمام کنش گران دولتی،

خصوصی و مدنی در صحنه حاضر باشند تا نیاز تمام افراد، اقشار و گروهها دیده و به آنها پرداخته شود. بطور کلی ریز مولفه‌ی حکمرانی شامل: پایداری، تمرکز زدایی، شفافیت، برابری، کارایی و پاسخگویی میباشد(پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). در این میان باید توجه داشت که کاریزما و بعد نمادین نیز در اینگونه شهرها بسیار دارای اهمیت میباشد(Savitch,2010 : ۴۴).

از سوی دیگر، شهرهای مطلوب، شهرهای متمرکز میباشند با مراکز قوی. یعنی دارای تراکم بالایی هستند تا هم مشارکت و هم تولید را تحت پوشش خود بگیرند(رفیعیان و فرجام، ۱۳۹۰: ۱۲۰). ولی نباید از این نکته غافل شد که در شهرهای مطلوب، توسعه‌ی پایدار محلی بیشتر برجسته است یعنی در آنها، برنامه ریزی از پایین به بالا، مشارکت جمعی و فراگیر، حق انتخاب بیشتر برای ساکنان، عدالت اجتماعی، ایجاد فرصتهای برابر همراه با کارایی بیشتر، توزیع عادلانه‌ی امکانات و مواهب توسعه و نیز رفاه مردم نقش محوری دارند(فنی و صارمی، ۱۳۹۲: ۳۷).

رویکرد شهر مطلوب به نحو‌یست که از طریق توجه به سیاست های محلی، سرمایه های اجتماعی، فرهنگی و محیطی به دنبال توسعه‌ی پایدار محلیست؛ لذا باید نوآوری به سمت بهره‌وری در استفاده از منابع طبیعی و مفاهیم جدید در صنعت و خدمات سوق داده شود تا بتوان در مسائلی از قبیل انرژی، سلامت روانی، تامین شغل و مشارکت اجتماعی راهکار مناسب یافت میباشد (Kamng and Hills, 2003:164).

با توجه به مطلب فوق باید گفت که شهر مطلوب دارای مولفه های زیر میباشد:

جدول شماره ۱- مولفه های کلی شهر مطلوب؛ ماخذ: نگارندگان

ردیف	مولفه‌ی شهر مطلوب	توضیح
۱	توجه به پایداری اجتماعی	از طریق تلاش برای مشارکت حداکثری، توجه به خواست همه‌ی مردم، ایجاد فرصتهای برابر، رفاه همگانی، تقسیم عادلانه‌ی امکانات
۲	پایداری فرهنگی	توجه به سنن و رسوم محلی بجای مبحث جهانی شدن، کمک به رشد و تعالی عقاید محلی و منطقه‌ای، توجه به کنشگر محلی
۳	توسعه اقتصادی	جذب سرمایه های جهانی و محلی، ترغیب مشارکت عمومی در توسعه‌ی اقتصادی منطقه‌ای و محلی
۴	توجه به منابع انسانی	امکان آموزش و یادگیری مناسب برای عموم، فراهم آوردن زیرساختهای توسعه و پیشرفت برای فرد و جامعه، ایجاد امنیت شغلی

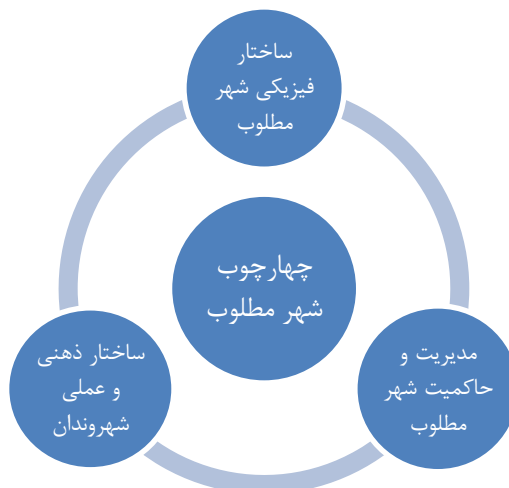
۵	توسعه درون‌زا	اولویت با افراد محلی و تلاش برای تولید و رشد محلی
۶	توسعه با رویکرد خدمت	نیازهای تمام افراد تا حد ممکن دیده و رفع شود
۷	حکومت مردمی	تعامل و پویایی مردم و تلاش برای مشارکت، جمعی، گروهی و فردی در حکومت
۸	توسعه‌ی شهری	توسعه‌ی شهری از پایین به بالا و نگرش خرد مقیاس و عینی
۹	توجه به محیط زیست	الگوگیری محیط‌زیستی محلی و مطالعه و حفظ آن
۱۰	بعد نمادین و کاربزماتیک	پیدایش محله‌های کم تراکم و وجود شاخص برای آنها طبق الگوی محلی

۵. روش پژوهش

با توجه به اهداف و پرسشهای پژوهش، از میان روشهای مناسب برای گردآوری مواد و داده‌ها، از روش تحلیل داده‌های کیفی به صورت تحلیلی-توصیفی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. «هدف تحقیق کیفی، کسب آشنایی کلی (سازمان یافته، جامع و مانع) با بستر تحقیق است» (عینی فر، ۱۳۹۱: ۱۷۹). راهبرد مد نظر در تجزیه تحلیل داده‌های تحقیق حاضر، بر حسب روش کیفی یا تکیه بر فرآیند تدوین، تنظیم، اختصار و بیان مفاهیم کلی و جزئی از داده‌های یافته شده میباشد تا توسط بررسی داده‌ها به پرسشهای مطروحه پاسخ داده شود. لذا در وهله‌ی اول، کتب نوشته شده توسط ملاصدرا مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های نظری و کاربردی آن گردآوری شد. سپس با استفاده از تحلیل محتوا، این داده‌ها دسته‌بندی و نظام یافته شدند تا در یافتن پاسخ سوالات مورد استفاده قرار گیرند.

اندیشه و نظریات پیرامون الگوی ایرانی اسلامی شهر مطلوب ملاصدرا در واقع نظر او پیرامون، اجماع بین شریعت، عقل و کارکرد می‌باشد که در تمام ابعادش روح الهی دارد و سعادت و استكمال بشری را بر اساس ابتکار بی‌نظیر صدرالمتالهین یعنی حرکت جوهری در زندگی و آخرتش را شامل می‌شود. او همواره، شریعت، شهود و تفکر را اساس کار قرار داده و به همین دلیل نظریاتش برای شهرسازی درخور اهمیت است.

دیاگرام ۱- نحوه‌ی ارتباطات مؤلفه‌های شهر مطلوب در حکمت متعالیه؛ ماخذ: نگارندگان



۷. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در پاسخ به سوال اول پژوهش

- برای پاسخ سوال اول در تحقیق حاضر، یعنی اینکه الگوی اسلامی ایرانی، اصول، راهکارها، مفاهیم و اندیشه‌های شهرسازی در اندیشه‌ی ملاصدرا چیست؟ در ابتدا بطور مبسوط باید دانست که انسان از منظر ملاصدرا دارای چه ساحت و جایگاهی است تا مشخص شود شهر ویژه این انسان باید چگونه ساحتی داشته و دارای چه اصولی باشد.

۷-۱. انسان از نظر ملاصدرا

در اندیشه‌های ملاصدرا، جنبه‌های معنوی پررنگ‌تر از جنبه‌های مادی شهری ظاهر شده‌اند اما به هر دو امر توجه لازم مدنظر فیلسوف بوده است. انسان در نظر صدرالمتألهین یک حقیقت تدریجی است که شامل از ماده تا عقل است (راشد، ۱۳۹۴: ۶۵). از نظر او، شخص مختار است از آن جهت که مجبور است و مجبور است از آن جهت که مختار است (ملاصدرا، ۱۳۹۴: ۲۴). از نظر ملاصدرا، جامعه انسانی جامعه‌ای است که باراده‌های آزاد افراد انسانی پدید می‌آید (حسنی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). درجه و اهمیت تعالی انسان در فعل، تعالی آزادی است (خاتمی، ۱۳۸۷: ۱۴۶). خودشناسی و علم نفس، کلید همه‌ی علوم

است (ملاصدرا، ۱۳۸۹: ۸) و باید ابتدا از اینجا شروع کرد؛ زیرا که تذکر نفس، موجب تذکر رب خواهد بود (همان: ۱۶). در این مسیر باید عقل و عشق همراه هم باشند که یکی بدون دیگری سودی ندهد (همان: ۵۶). انسان در میان موجودات، تنها نسخه کامل الهی است، به عبارتی، عالم اصغر درون عالم اکبر (خاتمی، ۱۳۸۶: ۱۷۳). خداوند در انسان نیروی تمام عالم را جمع کرده (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۴۸) اما برای رسیدن به سعادت باید حفظ اعتدال کرد هم در امور نفسانی هم در امور جسمانی (ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۱۲۵). به‌طور کلی کمال انسانی در دو چیز است: اولاً خیر و خوبی را بشناسد و ثانیاً آن‌که خیر و خوبی را برای عمل به آن بشناسد (ملاصدرا، ۱۳۹۳: ۳۱). هر انسانی که عقل منفعلش به همه‌ی معقولات کامل گردد و عقل بالقوه و معقول بالفعل شود و معقولش عاقل شود، عقل مستفاد می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۵۶۱)؛ یعنی هر فرد باید در جستجوی حکمت باشد که حکمت از بخشش‌های خداوند تعالی است و تنها از طریق سعی و کوشش به دست نمی‌آید و به خواست و مشیت ربانی نیز بستگی دارد (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۳۵). باید به این نکته نیز توجه داشت که نفوس انسانی را در فطرت نخستین و اصل خود، قوه و آمادگی آن هست که به‌سوی فرشتگی یا اهریمنی و یا به حیوانیت و یا درندگی خرج گردد (ملاصدرا، ۱۳۹۳: ۴). حقیقت انسان عبارت از روح معنای او و نفس ناطقه و عقل مدبر اوست (ملاصدرا، ۱۳۹۱ الف: ۱۶).

دیاگرام ۲- طبقات ممکن‌الوجود و جایگاه انسان در این میان بر اساس اندیشه‌های ملاصدرا؛ ماخذ:

نگارندگان



نفوس انسان در بدو تولد درجایی میان نفوس نباتی و ارواح مدبره جزئی قرار دارند و بسته به رفتار و تفکر فرد، پس از تولد قابلیت صعود و نزول دارند. در این تقسیم‌بندی، عقل در بالاترین و عالی‌ترین

مرتب‌ه قرار دارد، سپس نفس، طبیعت و در آخر ماده قرار می‌گیرد (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۷۲)؛ که خود معرف اهمیت عقل و توجه به آن و دوری از خواسته‌های مادی می‌باشد که برای سلامت شهر امری مهم محسوب می‌شود و شهر مطلوب ملاصدرا بدون رعایت این اولویت‌ها، محقق نمی‌شود؛ یعنی برای حصول این مهم باید گوش به فرمان عقل بود؛ آن عقلی که با توحید و دوری از مادیات به نهایت استکمال خود رسیده است.

به طور خلاصه در جواب سوال اول تحقیق یعنی اینکه الگوی اسلامی ایرانی، اصول، راهکارها، مفاهیم و اندیشه‌های شهرسازی در اندیشه‌ی ملاصدرا چیست؟ باید بیان داشت که در باب منظر شهری، توجه به اصالت منطقه از لحاظ فرهنگ، خرده فرهنگ و ریشه‌های مذهبی و سنتی هر اجتماع در جهت استکمال فرد و جامعه مهمترین راهکار محسوب میشود زیرا همانطور که در قسمت تعاریف اشاره شد، نقصان توجه به فرهنگ، کمال و ریشه‌های جامعه در تعریف شهر کاملاً مشهود میباشد که در پژوهش حاضر، این مهم مد نظر قرار گرفته است. در باب اصول شهرسازی، نگاه اصلی این است که قواعد هر شهر مطابق با خواست آن شهر تنظیم میشود و قاعده‌ی جزئی از پیش تعیین شده‌ای بر آن اجبار نشود تا استکمال فرد و جامعه در بستری متناسب با آنان تحقق یابد. مدیران شهری نیز باید دارای خصوصیتی باشند که مهمترین آنها عبارت است از: پرهیز از لجاجت، عالم و عاقل بودن، فراهم کردن اسباب راحتی شهروندان و گوش شنوا داشتن برای شهروندان.

یافته‌های پژوهش در پاسخ به سوال دوم پژوهش

- برای یافتن پاسخ سوال دوم در تحیق حاضر، یعنی اینکه این اصول، چه تأثیری از لحاظ مادی و معنوی بر شهر و شهروندان مطلوب خود می‌تواند داشته باشد و یا داشته است؟ در ابتدا بطور مبسوط باید دانست که صفات و مختصات تشکیل دهنده شهر اعم از حاکم و الگوی اجتماعی شهری از منظر ملا صدرا چگونه است تا بتوان تأثیر مادی و معنوی این شهر بر ساحت شهروندان را دریافت.

۷-۲. صفات حاکم در الگوی شهر مطلوب

برای حاکم شهر اما درجهای مختلف، شرایط مختلف آورده: دوری از آزار مردم، تحمل کردن رنج رسیده از شهروندان، اجتناب از آزار آنان، فراهم کردن اسباب راحتی ساکنان شهر، عدم حب ریاست و

دنیادوستی (ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۱۵۷) اما رئیس اول باید ((۱- دارای درک و فهمی نیکو باشد ۲- حافظه‌ی قوی ۳- فطرتی درست ۴- زبانی فصیح ۵- دوستدار علم و حکمت ۶- به‌دوراز حرص و شهوت‌پرستی ۷- دارای شرافت نفس ۸- رئوف نسبت به سایر مردم ۹- شجاع ۱۰- بخشنده ۱۱- عارف حقیقی ۱۲- سختگیر و لجوج نباشد (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۴۸۸-۴۹۰)

۳-۷. صفات اجتماع و فرد در الگوی شهر مطلوب

در بحث روابط اجتماعی و مسائل شهری نیز، ملاصدرا معتقد است که شهروندان باید در حد استعداد خدادادی خود در جامعه تلاش کنند (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۷۴). نیکوکاری نسبت به سایرین در اهم امور اجتماعی قرار دارد (همان، ۳۳۴). انسان به‌تنهایی نمی‌تواند زندگی کند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۵۷). جامعه سالم و الگو، جامعه‌ای است که در آن هرکسی مانند اعضای بدن کار مخصوص خود را انجام دهد و در کار دیگران دخالت نکند که این امر با تمرین و ممارست به دست می‌آید. انسان مدنی بالطبع است لذا باید در اجتماع و جامعه زندگی کند تا به کمال مطلوب خود برسد (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۴۹۱). حقیقت انسان حقیقت جمعی‌هاست که وحدتش مثل وحدت عالم وحدت تالیفیه است، صاحب مراتب کثیره‌ی متفاوتی در تجرد و تجسم، صفا و کدورت، نور و ظلمت (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۵۶۷). تعلیم و آموزش بر سه گونه است: تعلیم بشری، تعلیم فرشتگان، تعلیم الهی (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۴۳). علم لذیذ است و لذیذترین علوم، علم به خدا و صفات و افعال و تدبیر او در کشور خویش است (ملاصدرا، ۱۳۹۱ الف: ۸۲).

پاسخ به سوال دوم یعنی اینکه این اصول، چه تأثیری از لحاظ مادی و معنوی بر شهر و شهروندان مطلوب خود می‌تواند داشته باشد و یا داشته است؟ باید گفت که: اولاً رعایت حقوق و کرامت مردم سبب عدم پرداختن به جرائم سازمان‌یافته در جهت تخریب و نابودی منافع عمومی در شهر میشود و موجب میشود تا تمایل به انجام جرم‌های اجتماعی و حفظ امنیت شهری تا حد قابل توجهی کاهش یابد زیرا هر فرد احساس داشتن شخصیت و اهمیت در ظاهر میکند و این مهم میتواند حضور پر توان و حداکثری مردم برای بالا بردن بهره‌وری، اشتغال و همکاری در جهت رسیدن به اهداف جمعی و فردی را همراه داشته باشد که این حضور دلیلیست بر ارتقاء سطح مادی و معنوی زندگی شهروندان. ثانیاً وجود تفکر و درایت در طراحی‌های شهری و توجه به تمام مسائل و استفاده از افراد دانا و توانمند در مدیریت شهری به همراه ترویج آموزش کل اجتماع، موجب میشود که این حضور حداکثری، جهت دار و نظام مند گردد تا جامعه به سمت هدف غائی خود یعنی تکامل فردی و اجتماعی حرکت نماید.

جدول ۵- فرد و شهر در اندیشه ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان

امور فردی شهروندان	مختار بودن، تحصیل سعادت، خودشناسی و خداشناسی، پرهیز از حب جاه و مال و میل به شهوت، رعایت اعتدال در امور جسمانی و روحانی، توجه به حضور قلب، عبادات از روی علاقه و فهم، کمال‌گرایی، الگوگیری از پیامبر اسلام، پیروی از رئیس شهر، تلاش فردی برای پیشبرد جامعه و سعادت آن، دیدن دنیا به‌عنوان محل گذر و کشتزاری برای آخرت، خضوع و خشوع و پرهیز از گردن کشی، لزوم استفاده از عقل تا رسیدن به مرحله‌ی عقل مستفاد، عقل برترین و شریف‌ترین نیروهای انسان است، عقل سبب رسیدن به مقام خلافت الهی می‌شود.
شهر	پیوستگی شهری، دوری از زواید، پویایی، پرهیز از تزئینات اضافه، توجه به معنا، آرامش‌بخش برای شهروندان، کمک به سعادت شهروندان، تأکید بر فضاهای جمعی، شریعت به‌عنوان قانون شهر، عدالت اجتماعی، پیروی سیاست شهری از شریعت

جدول ۶- ابعاد شهر مطلوب از نظر ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان

حاکم شهر	عالم و عاقل، زاهد، خداترس، دنیا‌گریز، الگوپذیری از پیامبر اسلام، تحمل رنج رسیده از مردم، اعراض از آزار مردم، فراهم کردن اسباب راحتی شهروندان، گوش شنوا داشتن، کم صحبت کردن و پرهیز از بیهوده‌گویی، جانب شهروندان را گرفتن، دوری از حب ریاست، دوری از بدگویی، نداشتن ادعا، فطرت نیکو داشتن، شجاع، دارای زبانی فصیح، بخشنده، پرهیز از لجباجت، دارای فهم بلند، عدالت در تقسیم اراضی، اموال و دارایی بین مردم، حراست از اموال مردم، رئیس به‌مثابه قلب شهر
روابط اجتماعی	اعضای شهر باید همچون اعضای یک بدن باشند و هر عضو کار مشخص خود را انجام دهد، حضور در اجتماع و دوری از خلوت‌گزینی، تلاش در حد استعداد، تعاون در امور، نیکوکاری، وجود حق مالکیت شخصی، حق اظهارنظر و مشورت، هر فرد به کمال نمی‌رسد مگر با حضور در اجتماع
زیبایی	زیباترین چیز، خداست، تصور زیبایی ناشی از عشق است، کمال هر چیز زیباست، اموری که موجب شادی حقیقی می‌شوند زیبا هستند، زیبایی متضاد بدی و شر است، زیبایی مطلوب بالذات است، طلب علم و آموزش کردن زیباست، زیبایی امری مشکک و ذو مراتب است، انواع زیبایی شامل: حسی و خیالی و عقلی می‌باشد، عشق زیبایی می‌آفریند.

جدول ۷- تأثیر برخی دیدگاه‌های ملاصدرا بر شهر مطلوب او و قابلیت اجرایش برای شهرهای امروز از

منظر روابط جمعی و فردی؛ ماخذ: نگارندگان

نظرات و اندیشه‌های ملاصدرا	تأثیر آن بر شهر مطلوب	کاربرد آن در شهرسازی امروز
ارتباط مستقیم بین دین، فرد و اجتماع	وجود نهادهای دینی در سیمای شهر مطلوب و وجود روحیه‌ی معنوی حاکم در شهر	لزوم طراحی شهری به‌نحوی که توجه عمده به اجتماع شهری و فضاهای جمعی باشد آن‌هم با رعایت موازین دینی در جهت سلامت و پویایی جامعه
تلاش برای رسیدن به عقل مستفاد و درجه‌ی عالی عقلی	وجود اعتبار و اهمیت تفکر در شهر و مناسب بودن میزان اندیشه با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی	وجود تفکر و درایت در طراحی‌های شهری و توجه به تمام مسائل، استفاده از افراد دانا و توانمند در مدیریت شهری، ترویج آموزش کل اجتماع
کمال‌گرایی مادی و معنوی	تحقق معیارهای شهری در عالی‌ترین سطوح ممکن	طراحی فضاهای جمعی و شخصی در معماری و شهرسازی به نحوی سازگار با رشد فکری، فردی و دینی افراد
لزوم وجود آموزش بر اساس درک افراد	وجود مدارس، نهادهای عالی آموزشی و دانشگاه‌ها مطابق تمام نیازها با تعیین سطح افراد	سطح‌بندی افراد بر اساس هوش، انگیزه، تلاش و پشتکار و طراحی سیستم آموزشی بر این مبنای جامعه

جدول ۸- تأثیر برخی دیدگاه‌های ملاصدرا بر شهر مطلوب او و قابلیت اجرایش برای شهرهای امروز از

منظر مدیریت شهری؛ ماخذ: نگارندگان

نظرات و اندیشه‌های ملاصدرا	تأثیر آن بر شهر مطلوب	کاربرد آن در شهرسازی امروز
توجه به زیبایی	پیدایش مبانی نظری زیبایی‌شناسی و نمود آن در مناظر شهری و	توجه به طراحی زیبا با پشتوانه‌ی فکری برای محوطه، میدان و معابر شهری و همچنین ساختمان‌های عمومی و خصوصی باهدف تعالی
تعاون و همیاری در امور میان شهروندان	شرکت در امور جمعی، جشن‌ها و مراسم آئینی در شهر و حضور در سیستم دموکراسی و تصمیم‌گیری در نهادهای قدرت	شرکت دادن مردم در امر مدیریت شهری و انتخابات شورای شهر باهدف همکاری مستدام و مستمر پس از انتخاب اعضا و وجود اهمیت نظرات مردم و انتقال و اجرای آن در سیستم مدیریت شهری

انتخاب الگوهای قابل دسترس	داشتن هدف و مطلوب در شهر و زندگی شهری و اجتماعی	هدف‌گذاری قابل دسترس برای افراد جامعه و تلاش جمعی برای رسیدن به مطالبات شهری و اجتماعی
دوری از خلوت‌گزینی	حضور در شهر و جامعه و انجام به وظایف اجتماعی	حضور پرتوان و حداکثری مردم برای بالا بردن بهره‌وری، اشتغال و همکاری در جهت رسیدن به اهداف جمعی و فردی
پیروی از رئیس شهر	توجه به قوانین، حفظ نظم و انسجام اجتماعی	پیروی از تمام قوانین برای تمام افراد بلااستثناء و پیدایش امنیت و اعتماد شهروندان به مدیران شهری
توجه به زودگذر بودن دنیا	عدم تمایل به انجام جرم‌های اجتماعی و حفظ امنیت شهری	رعایت حقوق و کرامت دیگران و عدم پرداختن به جرائم سازمان‌یافته در جهت تخریب و نابودی منافع عمومی در شهر

جدول ۹- اندیشه‌های آرمانی در شهر مطلوب ملاحظه: ماخذ: نگارندگان

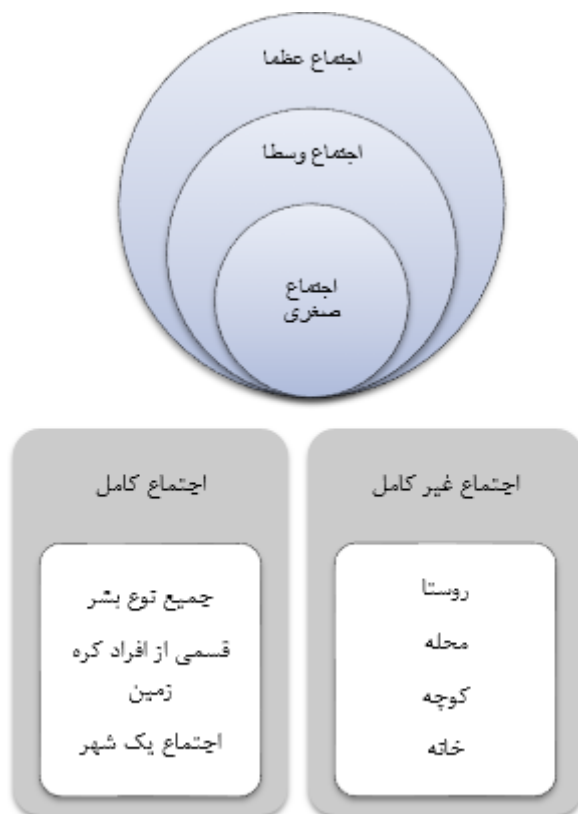
خلاصه اندیشه	وجه آرمانی بودن و دلایل عدم امکان
رسیدن به عقل مستفاد	چون عقل مستفاد، مجرد است و انسان ترکیب روح و جسم یعنی امور مادی و مجرد لذا امکان حصول در زندگی مادی نیست اما حرکت به طرف آن برای بشر ممکن و مطلوب است
پیاپی شدن تمام امور به صورت مطلوب کامل	به دلیل اینکه تمام مردم از قوانین شهری پیروی نمی‌کنند لذا حصول امور مطلوب به صورت مطلق امری محال است
رسیدن تمام افراد جامعه به تکامل فردی و اجتماعی	چون افرادی مطابعت از نفس می‌کنند لذا مانع استکمال فردی و گروهی می‌شوند زیرا بر اساس نظر ملاحظه‌داران، افراد وقتی به تکامل می‌رسند که در شهر باشند و وجود افرادی که باهدف شهر همسو نیستند مانع راه دیگران نیز می‌شود که البته خود او به این امر معترف است
وجود آرمان مشترک میان تمام افراد جامعه	به دلیل اینکه نفوس مردم مشکک است، طبقات اجتماعی از پایین‌ترین درجه‌ی معرفتی تا عالی‌ترین نقطه‌ی ممکن وجود دارند که هر طبقه، اهداف و آرمانی خاص خود دارد که گاه با کل شهر منطبق نیست

بحث و نتیجه گیری

شهر مطلوب از منظر ملاصدرا برخلاف اندیشه‌های افلاطون، سهروردی و حتی فارابی که بیشتر جنبه‌ی آرمانی داشته‌اند، دارای ویژگی‌های قابل‌الاجرای می‌باشد که از لحاظ مبانی فکری و عملی می‌توانند جوابگوی مبانی نظری و عملی مسلمان در مواجهه با اندیشه‌های وارداتی غربی باشند. اندیشه‌های او، هم ابعاد جسمانی و هم جنبه‌های روحانی شهروندان را پاسخگوست. موسس حکمت متعالیه، اجتماع را اصل و اساس سعادت هر انسان می‌داند و خاطر نشان می‌کند که بدون اجتماع نمی‌توان به مطلوب دنیا و آخرت رسید. به‌طور کلی می‌توان گفت که الگوی ایرانی اسلامی شهر مطلوب ملاصدرا دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- ۱- راهکارهای عملی برای داشتن شهری مطلوب است که تمام اعضای شهر در پیشرفت آن نقش تعیین‌کننده دارند و با همکاری و تعاون همه‌ی اعضا، این مهم تحقق می‌یابد.
 - ۲- جامعه شهری دارای اهدافی است که توسط ریاست شهر، یادآوری می‌شود، ریاستی که بلاغت، فصاحت و توجه‌اش به مردم سبب می‌شود تا همه به آن معتقد باشند و عمل کنند
 - ۳- پرهیز از زوائد و بیهودگی در شهر یک اصل محسوب می‌شود، زیرا از هدر رفت انرژی، توان و عمر شهروندان جلوگیری می‌کند.
- لذا می‌توان گفت که تفکرات شهر مطلوب حکیم متأله، ملاصدرای شیرازی، دارای اصول و راهکارهای ویژه و خاصی در بعد شهرسازی بوده که به‌کارگیری هوشمندانه آن‌ها، می‌تواند تأثیر مثبتی بر ابعاد حیات مادی و معنوی شهر و شهروندان داشته باشد و بهبود کیفیت زندگی و حصول سعادت اخروی را در پی داشته باشد که این امر مختص شرایط زمانی و مکانی خاصی ندارد.

دیagram ۳- طبقه‌بندی انواع اجتماع بر اساس نظر ملاصدرا، بر اساس تحلیل کتاب مبدأ و معاد



جدول ۱۰- بررسی قابلیت پیاده‌سازی نظریات ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان

قابلیت پیاده‌سازی و اجراء	نتیجه در شهر مطلوب	اندیشه ملاصدرا
دارد	عدم وقوع جرائم و تعادل در جامعه	پرهیز از حب و جاه‌دنیایی
دارد	حصول سعادت دنیا و آخرت	رعایت اعتدال در امور جسمانی و نفسانی
دارد	پیشبرد امور و رضایت شهروندی	همکاری و تعاون شهروندان با یکدیگر
دارد	درک نیازها و فهم جایگاه خویش	خودشناسی
دارد	رعایت حقوق سایر شهروندان	خداشناسی
دارد	یادآوری اهداف اجتماعی	تذکرات نفسانی
دارد	سلامت اجتماع و پویایی آن	حضور در اجتماع

الگو قرار دادن پیامبر اسلام	توجه به فضائل اخلاقی و دوری از رذایل	دارد
پیروی از ریاست شهر	اتحاد و یکپارچگی شهر و شهروندان	دارد
شرایط رهبر اول در شهر	ایجاد نظم، یکپارچگی و رفع نیازهای مردم	دارد
رعایت حقوق جمعی و فردی	رسیدن به مطلوب و شراکت جمعی	دارد

جدول ۱۰- پارامترهای عملیاتی الگوی ایرانی اسلامی شهر مطلوب ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان

برخی از مهم‌ترین موارد اشاره‌شده در اندیشه‌ی فیلسوفان مذکور پیرامون شهر مطلوب		
قابلیت اجرا	اندیشه‌ها	
	دارد	ندارد
		طبقه‌بندی معنوی و اجتماعی شهری
		حقوق متقابل میان شهروندان و رئیس جامعه
		وجود رئیس فیلسوف در شهر
		ویژگی ریاست شهر
		تعاون در امور اجتماعی
		وجود اهداف اجتماعی
		یادآوری اهداف اجتماعی
		سعادت خواهی عموم شهروندان
		حرکت جوهری در نفس برای کمال در جامعه
		سیاست شهر بر اساس شریعت
		فیلسوف شدن تمام افراد جامعه

جدول شماره ۱۱، راهکارهای شهری طبق نظر ملاحظه‌کنندگان؛ ماخذ: نگارندگان

راهکارها	قواعد شهری
<p>-طراحی منظر شهری بعنوان یک کل منسجم که اجزاء بر کل و کل بر اجزاء تاثیر گذار اند که نمود و تاثیر هر کدام بر دیگری قابل تشخیص باشد</p> <p>-طراحی منظر شهری به نحوی که هر فرد با میزان اندیشه و درکش بتواند معنایی در خور خود ادراک نماید</p> <p>-توجه به زیباسازی و تزئینات شهری بر اساس فرهنگ و ریشه های شهروندان و معاصر سازی کهن الگوها</p> <p>-شهر و منظر شهری به مثابه یک متن که هر کس بر اساس نفس خود بتواند حرکت جوهری اش را در جهت استكمال آن داشته باشد</p> <p>-توجه به اصالت منطقه از لحاظ فرهنگ، خرده فرهنگ و ریشه های مذهبی و سستی هر اجتماع در جهت استكمال فرد و جامعه</p> <p>-لزوم حفظ و مرمت بناهای سستی بخاطر یادآوری ریشه های شهروندان</p> <p>-استفاده از عناصر کهن و بازآفرینی و معاصر سازی آنها در آثار جدید با هدف نمایش گذشته و توجه به آینده</p>	<p>منظر شهری</p>
<p>-توجه به محله ها بعنوان یک جزء همزمان نگاه به اینکه این محله ها، از یک کل تشکیل شده اند و لزوم حفظ تشابه کل با جزء با رعایت اصالت منطقه و خرد ریشه های آن</p> <p>-زمینه گرایی بر اساس هویت همان شهر و نمود آن در تمام سطوح شهری</p> <p>-لزوم دیده شدن عمق مفهوم در آثار و عناصر شهری و پرهیز از کارهای تقلیدی صرف کم عمق</p> <p>-لزوم مشارکت جمعی و فرد به فرد شهروندان و توجه به خواست آنان؛ چون شهروندان با آموزش صحیح، غالبا فرهیخته هستند و خواست مشابه دارند لذا تا حدودی پیاده سازی نظر ایشان قابل انجام است</p> <p>-داشتن برنامه ای بلند مدت شهری که حکیمان، فرهیختگان و متخصصان آن را تدوین کرده اند و طبق نظریه ی حرکت جوهری، بصورت سالانه به بحث و نظر گذاشته میشود و تکامل می یابد؛ یعنی هم برنامه ی بلند مدت و هم کوتاه مدت منطبق با آن</p> <p>-توجه به اهداف کوتاه مدت در عرض اهداف بلند مدت که همان مجمع حکیمان آن را مدون میکنند و خواست افراد جامعه در آن مثل برنامه ی بلند مدت دیده شده</p> <p>داشتن فرآیند در امور امریست لازم و در راستای حرکت جوهری میباشد اما این فرآیند باید دارای اصول منطقی، عقلی و حکمت با توجه به نیازهای مادی و معنوی شهروندان باشد</p>	<p>عناصر شهری، روش و اصول شهری</p>

<p>-توجه به کاربری ها و لزوم در دسترس بودن آنها برای ساکنین هر محله -توجه و اهمیت فراوان به تکنولوژی بعنوان عنصر یاری دهنده در پیشرفت مدیریت شهری، زیبایی شهری و سایر عوامل مربوط به شهر -قواعد هر شهر مطابق با خواست آن شهر تنظیم میشود و قاعده ی جزئی از پیش تعیین شده ای بر آن اجبار نمیشود</p>	
<p>-لزوم وجود سه مرکز شهر که یکی از آنها اصلی و دوتای دیگر فرعی و بعنوان کاهنده ی بار ترافیکی و تامین کننده ی فضا برای مرکز اصلی باشند -تاکید بر حمل و نقل عمومی و توجه به کرامت شخص در آن و ایجاد فضایی جمعی برای گفت و گو در ایستگاه ها بعنوان فضای تعامل -وجود مرکز محله ها، پارکها و فضاهای گفت و گو در باب مسائل شهری و انسانی برای تمام افراد و رده های سنی در جهت استكمال فردی و جمعی متناسب با هدف کلی شهر</p>	سیستم ارتباطی
<p>-لزوم وجود تراکم بالا، کم و حتی فضایی بدون تراکم جمعیتی در هر محله برای گسترش در آینده -توجه به بلند مرتبه سازی با رعایت حریم فردی، خصوصی و جداسازی این فضاها از فضاها ی دیگر بدلیل رعایت بحث دید، مشرفیت و نورگیری همه ی فضاها</p>	تراکم شهری
<p>-لزوم ارتباط مستقیم با طبیعت جهت یادآوری اینکه انسان نیز جزئی از این طبیعت است -حفظ و گسترش فضای سبز درون شهری و برون شهری -کاهش استفاده از سوخته‌های آلاینده و جایگزینی با انرژی های پاک طبق اصل حرکت جوهری و اینکه سوخته‌های آلاینده مخالف استكمال و توسعه هستند -مصالح میتوانند بوم آورد نباشند اما باید به نحوی به کار روند که منافی فرهنگ و هدف منطقه نباشند و آن را زیر سوال نبرند -اهمیت بالای مطالعه زیست بوم و اکولوژی منطقه در جهت استفاده ی درست و جلوگیری از نابودی آن -طبیعت، به ذاته امریست زیبا و انسان بدنال زیبایی است پس وظیفه اش حفظ زیبایی طبیعت میباشد</p>	طبیعت و بوم منطقه
<p>-اصل توسعه با اصل حرکت جوهری در یک راستا هستند لذا توسعه در هر امر شهری، پسندیده است -توسعه هم باید در خود شهر و هم حومه ی شهر پدید آید تا سبب جلوگیری از ورود فرهنگ حومه به مرکز شهر شود و از طرفی نباید مناطق برخوردار سبب آسیب روحی مناطق کم برخوردار شود -حفظ و بازشناسی آثار کهن در راستای توسعه ی فرهنگی امریست ضروری</p>	توسعه شهری
<p>-لزوم توجه به فرد در اجتماع با رعایت استقلال فردی و حفظ آن -توجه به اجتماع با نظر به فردیت شهروندان و رعایت آن -کاربران در هر امری قادر به ارائه ی نظر هستند و نظر آنها باید شنیده و حتی المقدور تامین گردد</p>	

<p>شهروند و کاربر</p> <p>-لزوم مشارکت عمومی و فرد فرد شهروندان -استفاده از خلاقیت های فردی و بکارگیری آن در جهت نیل به پیشرفت و کمال -شهروندان که عموماً فرهیخته اند مجاز به انتقاد سازنده در هر سطحی از مدیریت شهری هستند، این امر ضمن اینکه حق آنهاست بلکه وظیفه ی آنان نیز محسوب میشود</p>

ملاصدرا انسان را مدنی بالطبع می‌داند و همین امر سبب می‌شود تا او، جامعه را تشکیل دهد و در آن زندگی کند تا با قرارگیری در اجتماع، به اهداف خود که همانا سعادت، توالد، آرامش، تعالی و استکمال است، نزدیک شود. شهر مطلوب او نماد حاکمیت قانون، علم پرور بودن، شهر همبستگی، پویایی و کمال فردی و اجتماعی می‌باشد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ملاصدرا در آثار خود خصوصاً در شواهد الربوبیه، کسر اصنام جاهلیه، اسفار عقلی اربعه و رساله خلق اعمال، به‌خوبی به تبیین شهر و جامعه مطلوب خود پرداخته است و ایده‌های او در این زمان که بیشترین ورود الگوها، نظرات و حجمه‌های غربی را که با روح و کالبد شهری ما ذره‌ای همسویی ندارند می‌تواند گره از کار مبانی نظری و عملی شهرسازی ما بگشاید و در شهرهایمان نمود عینی یابد. دلیل این مدعا این است که برخلاف بسیاری از اندیشه‌های غربی که در تلاش است با اومانیزم، جنبه‌ی مادی حیات انسانی را تحت پوشش قرار دهد، نظریات صدرالمتالهین توانسته علاوه بر این مهم، جنبه روحانی بشریت را نیز بررسی نماید تا در بستر شهر، کمال حقیقی فردی و اجتماعی توأمأً محقق گردد.

فهرست منابع

- اسفندیاری مصطفی، مهدوی آرا مصطفی، نادریان لایین علیرضا، یوسفی چوبینی صدیقه، (۱۳۹۵)، «آرمان شهر اسلامی از منظر امام رضا (ع)»، فرهنگ رضوی، دوره ۴، شماره ۱۵، ۹۹-۱۳۲.
- افروغ، عماد، (۱۳۹۵)، ارزیابی انتقادی نهاد علم در ایران، تهران، پژوهش‌کده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بنی فاطمه حسین، بوداقتی علی، (۱۳۹۳)، «مقایسه شهر مطلوب با شهر جهانی»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۵، شماره ۱۳، ۱-۲۵.
- پروین، جابر، (۱۳۹۱)، جابر پروین، «مقایسه‌ی پیش فرض‌های جامعه‌ی مطلوب در قرآن کریم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و علامه طباطبائی» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش دانشگاه شیراز.
- توسلی، غلام‌عباس، (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- حسنی، ابوالحسن، (۱۳۹۰)، حکمت سیاسی متعالیه، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خاتمی، محمود، (۱۳۸۷)، اندیشه‌های صدرایی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نشر علم.
- خاتمی، محمود، (۱۳۸۶)، جستارهای صدرایی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نشر علم.
- دهقان، علیرضا، (۱۳۸۶)، ترجمه کتاب نظریه‌های ارتباطات نوشته سورین، ورنر و تانکارد، جیمز، تهران، دانشگاه تهران.
- راشد، حسینعلی، (۱۳۹۴)، دو فیلسوف شرق و غرب «صدرالمطالین و انیشتین»، تهران، انتشارات اطلاعات.
- رفیعیان، مجتبی، فرجام، رسول، (۱۳۹۰)، تاثیر فرآیند جهانی شدن بر ساختار شبکه‌ی شهری جهان، ژئوپلتیک، سال هفتم، شماره ۱، ۱۰۵-۱۴۵.
- زنجانی‌زاده، هما، (۱۳۷۹)، ترجمه کتاب کنش اجتماعی نوشته روسته‌گه، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۹۰)، آواز پر جبرئیل، به کوشش حسین مفید، تهران، انتشارات مولی.
- طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۵)، درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، کویر.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی.

- عظیمی، فرامرز، قراگوزلو علی، قادری، اسماعیل، (۱۳۹۲)، ترجمه کتاب مفاهیم کلیدی در مطالعات شهری نوشته مارک گوتدینر و لسلی باد، تهران، انتشارات آذرخش.
- علیخواه، فردین، (۱۳۹۵)، ترجمه کتاب دگرگونی شهرها نوشته دیوید سی تورنر، تهران انتشارات نشر شهر.
- عینی فر، علیرضا، (۱۳۹۱)، ترجمه کتاب روش های تحقیق در معماری نوشته لیندا گروت و دیوید وانگ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- فنی، زهره، صارمی، فرید، (۱۳۹۲)، رویکرد توسعه ی پایدار محله ای در کلان شهر تهران، مورد: محله ی بهار منطقه ی هفت، جغرافیا و توسعه ی شهری، شماره ۳۰، ۳۵-۵۶.
- قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵
- محمدی کیا، طیبه، (۱۳۹۸)، شهر مطلوب «غزالی»: آرمانشهری بر مدار اصلاح، پژوهش سیاست نظری، شماره بیست و پنجم، ۲۴۷-۲۲۵
- محمودی، سمیرا، (۱۳۹۷)، چیستی آرمانشهر شیعی در آرای ملاصدرا و آیت الله جوادی آملی، نشریه ی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ی ۸، شماره ی ۳۲، صص ۵-۱۶.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۴)، رساله خلق اعمال، ترجمه علی بابایی، تهران، انتشارات مولی.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۴ ب)، رساله اصالت جعل وجود، ترجمه علی بابایی، تهران، انتشارات مولی.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۳)، تفسیر سوره ی جمعه، ترجمه محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۱ الف)، تفسیر سوره های طارق و اعلی و زلزال یا جلوه های خلقت، ترجمه و تصحیح و تعلیق محمد خواجوی، تهران انتشارات مولی.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۱ ب)، رساله الحشر یا کتاب رستاخیز جهان، ترجمه محمد خواجوی، تهران انتشارات مولی.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۸۹)، رساله سه اصل، تصحیح محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۸۱)، مبدأ و معاد، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، تهران، انتشارات دانشگاهی.

ملا صدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۷۱)، کسر اصنام جاهلیه، ترجمه محسن بیدار فر، تهران انتشارات الزهراء (س).

ملا صدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۶۶)، شواهد الربوبیه، ترجمه دکتر جواد مصلح، تهران، انتشارات سروش.

ملا صدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۶۳)، اسرار الآیات، ترجمه محمد خواجوی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ناظرزاده کرمانی، فرناز، (۱۳۷۶)، اصول و مبانی فلسفه سیاسی فارابی، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء (س).

Kamng, Mee, Hills, Peter(2003), World cities or great cities? A comparative study of five Asian metropolises, Cities, Vol. 20, No. 3, pp. 151–165.

Savitch, H.V(2010),What makes a great city great? An American perspective, Cities 27 , 42–49.